

گذری بر زندگی شهید علی محمود (پو تراب)

از شفا تا شهادت

در «زینبیه»



بیت المقدس

بیت المقدس

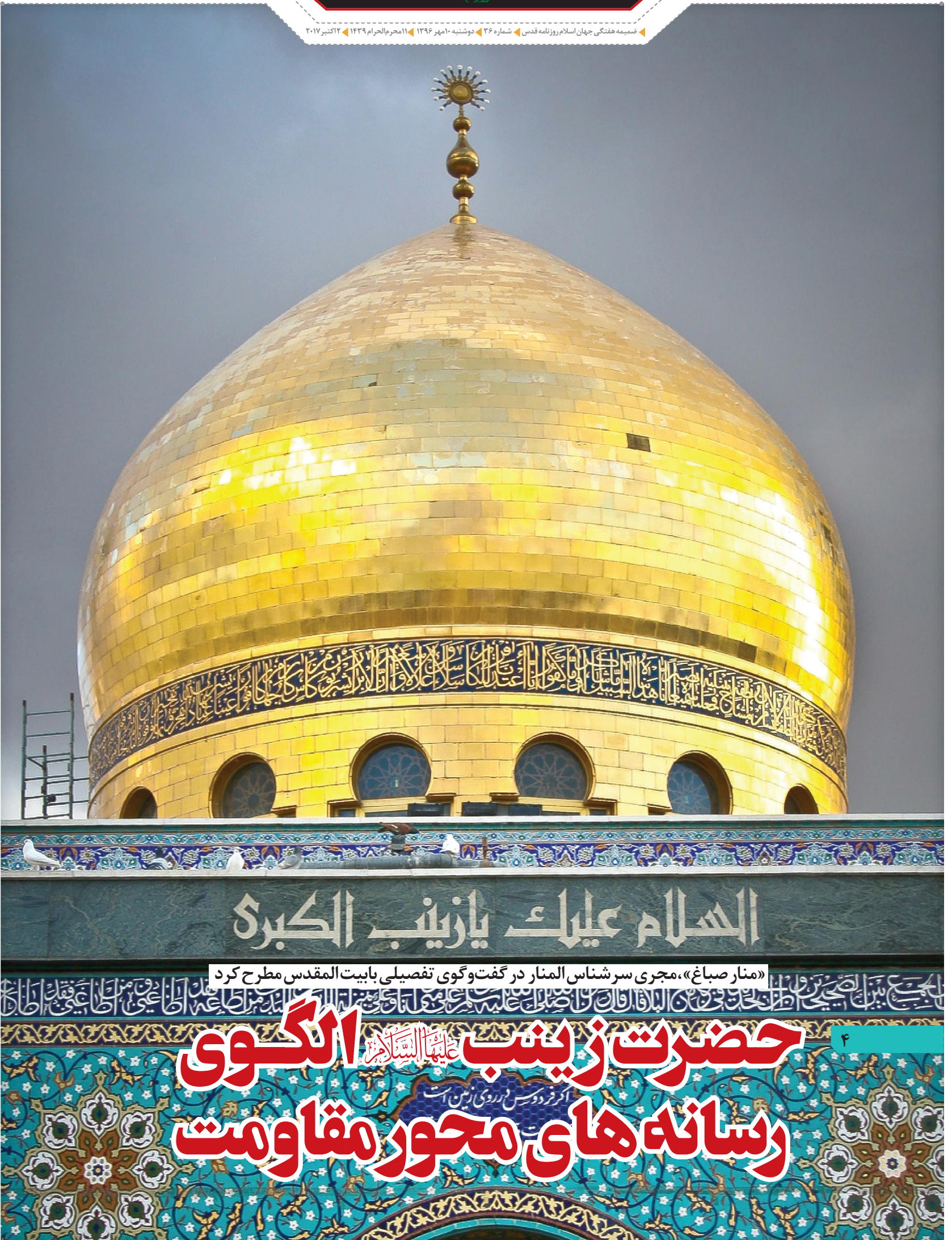
«آستانه ۶» و کارت های سوخته ترکیه



۶

۷

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس | شماره ۳۶ | دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ | ۱۱ محرم الحرام ۱۴۳۹ | ۲۰ اکتبر ۲۰۱۷



السلام عليك يا زينب الكبرى

«منار صباغ»، مجری سرشناس المنار در گفت و گوی تفصیلی بابیت المقدس مطرح کرد

حضرت زینب علیها السلام الگوی رسانه های محور مقاومت

اگر فردوسی از زمین است

۴



هلاکت سه صهیونیست در عملیات شهادت طلبانه جوان فلسطینی
سه شنبه گذشته در جریان یک عملیات شهادت طلبانه در سرزمین های اشغالی سه نظامی صهیونیستی در در منطقه هارادار در اطراف شهر قدس به هلاکت رسیده و دو نفر دیگر مجروح شدند. مجری این عملیات هم به شهادت رسید. مجری عملیات يك جوان ۲۷ ساله فلسطینی از روستای بیت بوریك واقع در کرانه باختری بود که به دستور مقامات منزل مجری عملیات شهادت طلبانه بلافاصله در منطقه صهیونیست نشین هارادار در قدس منهدم شد. سرویس های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که از وقوع این عملیات شوکه شده بودند در حال بررسی این موضوع هستند که مجری عملیات چگونه از مناطق فلسطینی نشین وارد این منطقه صهیونیستی نشین شده و اقدام به عملیات تیراندازی نموده که طی آن سه نفر به قتل رسیده اند.

[قلب زمین]

سخن نخست

فتنه شام و تغییر مدل مبارزاتی حزب الله

محمد مهدی رحیمی



حدود ده روز قبل سردار سر لشگر قاسم سلیمانی در مراسم بزرگداشت شهید حسین پور از فرماندهان شهید مدافع حرم، ضمن تأکید بر این مطلب که «نابودی داعش تا ۳ ماه آینده حتمی است»، افزود: «ما ضربات خودمان را قاطعانه و بدون وقفه بر بیکره داعش فرود می آوریم و به زودی تمام مردم مسلمان منطقه پایان این غده سرطانی ساخته شده به دست آمریکا و اسرائیل را جشن خواهند گرفت».

بیان این مطلب از سوی فرمانده سپاه قدس، برای آنها که او را می شناسند و می دانند که بی حساب سخن نمی گوید، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. کمتر از یک هفته بعد، سر لشگر جعفری هم سخنان سردار سلیمانی را تأیید کرد و از قریب الوقوع بودن جمع شدن بساط داعش خبر داد.

نگاهی بر تحولات میدانی در سوریه و عراق به عنوان دو کانون عمده درگیری رزمندگان محور مقاومت با پیاده نظام داعش هم موبد همین موضوع است؛ در چند ماه گذشته تکفیری ها در صحنه نبرد نظامی به سرعت سنگرهای خود را از دست داده اند و مجبور شده اند به استقبال مرگ بروند و یا حقیقانه و تحت الحفظ به منطقه ای دیگر کوچانده شوند. به موازات این فتوحات میدانی، در میز مذاکره و گفت و گوهای سیاسی هم محور مقاومت دست برتر را داشته و مذاکرات آستانه به عنوان ابتکاری غیر غربی، اکنون از پیشرفت قابل قبولی برای حل سیاسی بحران شام برخوردار است.

پس از توفیقات ارزشمند حزب الله لبنان در پاکسازی نوار مرزی این کشور با سوریه از لوث عناصر تکفیری و اخراج داعشی ها از جرود عرسال، مقامات رژیم صهیونیستی به آن واکنش نشان داده و نقش آفرینی رزمندگان مقاومت در کنار ارتش لبنان برای حراست از کشورشان را مورد شماتت قرار دادند. این واکنش اگرچه اتفاق جدیدی نبود اما در کنار اظهار نظر برخی مقامات نظامی صهیونیست ها قابل توجه بود که متأسفانه چندان مورد عنایت رسانه ها و کارشناسان قرار نگرفت. نکته محوری بحث آنها این بود که «استراتژی مبارزاتی حزب الله تغییر کرده و برخلاف گذشته که تنها تدافعی بود اکنون حالت تهاجمی گرفته و بدنبال ورود به مناطق اشغالی و پاکسازی آنهاست» اگرچه این تحلیل مقامات اسرائیل ناظر به توفیقات حزب الله در خارج کردن بخشی از خاک لبنان از اشغال تکفیری ها بود اما در دل خود واهمه آنها از امکان تکرار این قبیل اقدامات در مواجهه با اشغالگران سرزمین فلسطین را بهمراه داشت. اگرچه حزب الله لبنان و دبیر کل آن همواره تأکید کرده اند که سلاح مقاومت برای حراست از امنیت و تمامیت ارضی لبنان است و طبیعتاً تمایلی به تخطی و تجاوز به سایر مناطق ندارد و لذا احتمالاً موضوع حمله پیشدستانه به سرزمین های اشغالی منتفی است، اما ادعان دشمن به توانمندی های جدید حزب الله مسئله مهمی است که نباید از آن غافل شد. باید بر این نکته تأکید کرد که حضور رزمندگان لبنانی در سوریه در کنار همه توفیقات میدانی که برای ارتش سوریه رقم زد، دستاوردهای متعدد دیگری هم برای گروه های محور مقاومت و از جمله حزب الله داشت و آن تجربه گونه های دیگری از نبرد و تقویت شیوه های مبارزاتی آنها بود. تحولات آینده بیشتر اهمیت این قبیل دستاوردها را، که نتیجه تصمیمات درست فرماندهان محور مقاومت برای ورود مستقیم به فتنه شام است، نشان خواهد داد.

سرگردانی کاخ سفید در پسا داعش راز یاوه گویی های ترامپ در سازمان ملل



سخنان دو هفته قبل دونالد ترامپ در سازمان ملل حاکی از خشم و سرگردانی بود که می توان ریشه هایش را در شکست های پی در پی ایالات متحده و متحدان منطقه ای اش در برابر جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت جستجو کرد.

ترامپ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که البته بنا بر شواهدی توسط «استیو بنن» نوشته شده بود، به انتقاد یک سوویه از دشمنان خود پرداخت. شاید مهم ترین بخش این سخنرانی را بتوان بیان دیدگاه ترامپ در مقابل برجام و ایران عنوان کرد. او برجام را «بدترین و یک جانبه ترین قرارداد آمریکا» نامید که باعث شرمندگی این کشور شده است. البته این اظهار نظر موضوع جدیدی محسوب نمی شود؛ چرا که وی حتی در جریان مبارزه انتخاباتی خود نیز اعلام کرده بود که برجام «بدترین معامله انجام شده» و «فاجعه بار» است. ترامپ بارها بر این ادعای خود تأکید کرد که قصد مذاکره مجدد و یا «پاره کردن توافق» را دارد؛ بنابراین می توان گفت که ترامپ عملاً سخنان قبلی خود در این رابطه را تکرار نمود.

نباید این نکته را از نظر دور داشت که نه تنها در طول سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی بلکه در سایر اظهارات او طی روزهای اخیر شاهد این موضوع بوده ایم که آنچه دولت آمریکا در حال حاضر و قبل از ۱۵ اکتبر (یعنی زمان بعدی که در مورد تأیید یا عدم تأیید پایبندی ایران به تعهداتش باید اعلام نظر شود) در حال انجام است، افزایش فشار و فراهم کردن محیط بین المللی برای متقاعد کردن ایران و البته سایر طرف ها یعنی انگلستان، روسیه، فرانسه، چین و آلمان جهت اصلاح و تعدیل این توافق از

ترامپ سعی داشت با عنوان داشتن عباراتی نظیر «مرکز تمدن، فرهنگ و ثروت» به گونه ای سیاست های ضد استعماری و ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه را با افکار عمومی مردم ایران متضاد بخواند

طریق مذاکره مجدد است. اما آنچه باعث شد تا رسانه های مختلف جهان به انتقاد از سخنان ترامپ بپردازند، خشم او در ابراز یک سوویه خود را متخاندنش بود. برای مثال هفته نامه «اشپیگل» در این باره نوشت «سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل همچنین مخلوطی آشکار از تابوشکنی و سنت شکنی، خودمداری و انزواطلبی و مداخله گری بود. برای اولین بار همه تضادهای دکترین ترامپ با شعار اول آمریکا اعلام شده که در آن مخالفان جهانی بی رحمانه مورد تهدید قرار گرفتند.» این موضوع به رسانه ها ختم نشد و حتی سخنران بعدی که رئیس جمهور فرانسه بود به انتقاد از برخی سخنان ترامپ پرداخت. اما نوافل ماکرون در بخشی از صحبت های خود به ضرورت تعهد به این توافق و باقی ماندن در آن اشاره کرد.

تغییر معادلات منطقه به سود محور مقاومت
اما اینکه چه چیز باعث شده است که رئیس جمهور آمریکا این چنین بی مهابا نسبت به دشمنان خود بتازد را شاید بتوان در تحولات اخیر منطقه ای دنبال

و محور مقاومت در برابر طرح های ماجراجویانه غرب برای تجزیه و نابودی منطقه است؛ موضوعی که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز عنوان شد.

نکته جالب توجه دیگر، سخنان محبت آمیز ترامپ نسبت به سلاطین عربی منطقه بود. سلاطینی که در سفر اخیر خود به خوبی توانست با ایجاد موج ایران هراسی میلیون ها دلار اسلحه به آن ها بفروشد. او در سخنانش اشاره داشت «در سفر به عربستان این افتخار را داشتیم که با رهبران بیش از ۵۰ ملت عرب و مسلمان سخن بگویم. ما توافق کردیم که تمام ملت ها باید با هم کار کنند تا با تروریست ها و اسلام افراطی که الهام بخش آن هاست، مقابله کنیم. ما فعالیت های تروریستی اسلام افراطی را متوقف خواهیم کرد زیرا نمی توانیم به آن ها اجازه دهیم که کشورمان و در واقع تمام جهان را متلاشی کنند.» سخنان ترامپ در خصوص ائتلاف سازی با کشورهای حامی تروریسم از تناقض های دیگری بود که به خوبی از ضعف آمریکا در برابر موضع ایران پرده برمی داشت.

آنچه از مجموع سخنان ترامپ می توان استنتاج کرد تلاش او جهت ایجاد نوعی فاصله میان بدنه اجتماعی مردم ایران با حاکمیت بود. به عبارتی ترامپ سعی داشت با عنوان داشتن عباراتی نظیر «مرکز تمدن، فرهنگ و ثروت» به گونه ای سیاست های ضد استعماری و ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه را با افکار عمومی مردم ایران متضاد بخواند. سیاستی که به نظر می رسد که در دولت ترامپ ادامه خواهد داشت.

می کشد. نباید این موضوع را فراموش کرد که دونالد ترامپ در طول مبارزه انتخاباتی خود بارها تکرار کرد که داعش «ساخته آمریکا» است و «ایران و روسیه و اسد هستند که با داعش می جنگند»
گسترش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه موضوع دیگر است که سبب هراس آمریکا، عربستان سعودی و بیش از همه رژیم صهیونیستی شده است. به همین دلیل است که ترامپ در سخنانش در سازمان ملل، اعلام کرد که ایران باعث «به خطر افتادن اسرائیل» و سایر «همسایگان منطقه ای اش» شده است و «کشوری باغی» به شمار می رود و باید مهار شود.

اگر چه ایالات متحده قصد داشت با شکست داعش، از «کارت گردی» خود استفاده کند؛ اما گویا آمادگی این اقلیم برای جدایی از کشور عراق به گونه ای باعث موازی شدن مواضع واشنگتن با همسایگان مرزی کردستان شده است. در هر صورت آنچه باعث پیچیده شدن اوضاع و البته عصبانیت ترامپ شده است، حضور قدرتمند ایران



نصرالله: ایستادگی رزمندگان مقاومت نبود نوامیس مردم به اسارت برده می شدند

سیدحسن نصرالله طی سخنانی در مجلس عزاداری محرم در حسینیه سیدالشهدا (ع) گفت: اگر مردم عراق به فتوای مرجعیت عمل نمی کرد، داعش کربلا بصره، کویت و عربستان را اشغال می کرد. وی افزود: امروز عراق در آستانه تحقق پیروزی و آزادسازی کامل است و این از برکت یاری حق بشمار می رود. سید حسن نصرالله اینکه «ترامپ از یک سال پیش می گوید که داعش را آمریکا ساخته است»، خاطر نشان کرد: اگر مردم در سوریه، عراق و ایران فرزندان خود را (در راه مبارزه با تروریسم) از دست نمی دادند همه ذبح می شدند و نوامیس مردم به اسارت برده می شد. دبیر کل حزب الله تصریح کرد: اگر مقاومت در برابر دشمن اسرائیلی نبود این رژیم الان شهر کهای صهیونیستی را در لبنان ایجاد می کرد و بخشی از مردم لبنان در اردوگاه های اوارگان در داخل یا خارج زندگی می کردند. سید حسن نصرالله از سخنرانی برخی مقامات عرب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز انتقاد کرده و گفت که این مقامات به سلاح هسته ای رژیم صهیونیستی اشاره ای نکردند.

روایت «بیت المقدس» از ناکامی های سریالی رقبای دمشق

رامین حسین آبادیان



واکاوی «چرخش بزرگ»

در مواضع محور غربی-عربی در سوریه



چرخش در مواضع قطر قطر نیز در زمره کشورهای قرار دارد که در مواضع خود در سوریه تغییراتی را ایجاد کرده است. واقعیت این است که پس از بروز بحران گسترده و عمیق میان قطر و چهار کشور عربی و در رأس آن ها عربستان، مقامات دوحه تا حدود زیادی از بازی در نقش سابق خود در سوریه سرباز زدند. حتی شبکه «الجزیره» وابسته به قطر که پیشتر علیه دولت دمشق و محور مقاومت در منطقه فعالیت رسانه ای گسترده ای داشت، اخیراً یکی از سخنرانی های «بشار اسد» را به صورت مستقیم، مورد پوشش قرار داده و از اسد نه به عنوان «رئیس رژیم» که تحت عنوان «رئیس جمهوری سوریه» یاد کرد. در همین راستا، روزنامه مصری «الیوم السابع» نوشت: «پخش مستقیم سخنرانی بشار اسد در شبکه الجزیره و همچنین یاد کردن از وی به عنوان رئیس جمهوری سوریه توسط این شبکه حکایت از تغییر مواضع دوحه در قبال دمشق دارد».

اردن هم عقب نشست

دولت اردن طی هفت سال گذشته با قرار دادن پایگاه های نظامی خود در اختیار عناصر مسلح برای ارائه آموزش های نظامی به آن ها جهت اعزام به سوریه و نبرد بانبروهای مقاومت، نقش غیر مستقیم و البته غیر قابل انکاری را در تشدید بحران این کشور ایفا کرده است. اردن همچنین طی سال های گذشته با آزاد گذاشتن مرزهای مشترک خود با سوریه به روی عناصر تکفیری، زمینه های ورود هزاران نفر از آن ها به داخل اراضی سوریه را فراهم آورد و مانع از پایان بحران سوریه شد. اما با این حال، اکنون نشانه های واضحی از تغییر سیاست های امان در قبال دمشق دیده می شود. در همین ارتباط، «محمد المؤمنی» سخنگوی دولت اردن تأکید کرده است: «روابط ما با برادرانمان در سوریه قابلیت آن را دارد که در منحنی مثبت قرار گیرد». المؤمنی همچنین ابراز امیدواری کرد که گذرگاه های مرزی اردن با سوریه بازگشایی شده و روابط دو کشور به حالت پیش از آغاز بحران بازگردد. مواضع واضح و شفاف اردن دال بر تصمیم قطعی آن ها برای تجدیدنظر در سیاست های امان در قبال دمشق است؛ مسئله ای که دولت سوریه رسماً از آن استقبال کرد.

اذعان غرب به شکست

علاوه بر کشورهای عربی، برخی کشورهای غربی نیز در مواضع خود در سوریه تجدیدنظر کرده اند. از جمله این کشورها می توان به فرانسه اشاره کرد که رسماً از مواضع سابق خود مبنی بر لزوم کناره گیری بشار از قدرت عقب نشسته و معتقد است که این مسئله دیگر نباید به عنوان پیش شرطی برای ورود به مذاکرات سیاسی قرار بگیرد. در همین راستا، «ژان ایو لودریان» وزیر خارجه فرانسه اخیراً اعلام کرده است که مطرح شدن مسئله کناره گیری بشار اسد از قدرت به عنوان پیش شرطی برای گفتگوهای سیاسی، مورد پذیرش پاریس نیست. این در حالی است که «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان نیز صراحتاً به افزایش قدرت دولتمردان دمشق و به ویژه بشار اسد در سوریه اذعان می کند. وی اخیراً در اظهار نظری گفته است: «هر چند که این مسئله خوشایند غرب نباشد اما قدرت بشار اسد در مقایسه با گذشته افزایش پیدا کرده است».

چرخش عمیق کشورهای منطقه ای و بین المللی در سیاست هایشان در برابر دولت دمشق که روزی آن را «نامشروع» می دانستند، نه از جهت تکیه آن ها بر عقل، حکمت و تدبیر که از روی ناچاری شان بوده است، چرا که دستاوردهای میدانی چشمگیر نیروهای مقاومت در نبرد با تکفیری هایی از ۸۰ کشور جهان، عملاً گزینه دیگری را در مقابل حامیان عناصر تکفیری قرار نداده است.

رابرای به شکست کشاندن تمامی مذاکرات صلح سوریه به کار بستند. با تمام این ها به نظر می رسد که ریاض اندکی از مواضع تندوتیز سابق خود در قبال دمشق فاصله گرفته است. طی ماه گذشته میلادی «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی در نشست مشترکی با معارضان تحت الحمایه ریاض رسماً بازسازی ساختار معارضان را خواستار شد. در همین ارتباط، خبرگزاری آمریکایی «آسوشیتد پرس» می نویسد: «الجبیر از معارضان خواسته است تا مخالفان سوریه در مسکو و قاهره را نیز در جمع خود جای دهند؛ درخواستی که با مخالفت شدید

نشست بین المللی حاصل شد، الحاق استان ادلب به مناطق «کاهش تنش» بود که ترکیه هم در ساز و کار دستیابی به آن نقش مهمی ایفا کرد. در واقع، مقامات ترکیه ای با تئ دادن به توافق «الحاق ادلب به مناطق کاهش تنش»، پای حکم مرگ تروریست های تکفیری جبهه النصره در این استان را امضاء کردند. البته عقب نشینی مقامات ترکیه از مواضع خصمانه در بحران سوریه که طی سال های گذشته نقش بسزایی در شعله ور شدن این بحران داشته است، پس از شکست اهداف آنکارا در سوریه اتفاق افتاد. در همین ارتباط،

قریب به هفت سال است که از ظهور و بروز بحران سوریه سپری می شود؛ بحرانی که با دخالت های مستقیم و غیر مستقیم سران کشورهای منطقه ای و بین المللی به مرحله «جنگ داخلی» رسید و ده ها هزار غیر نظامی را به کام مرگ کشاند. از آن زمان تاکنون کمتر کسی گمان می کرد که نیروهای مقاومت سوریه و همچنین دولت دمشق به ریاست بشار اسد بتوانند در مقابل حمله های وسیع داخلی و خارجی دوام بیاورند. با این حال، پس از گذشت حدود هفت سال، دیگر بر مداخله جویان خارجی آشکار شده است که نمی توانند با بی توجهی به حق مردم سوریه در تعیین سرنوشت خود، علایق و خواسته هایشان را به آن ها دیکته کرده و بی وقفه بر طبل فتنه و فتنه گری بکوبند.

درست به همین دلیل، مدتی است شاهد چرخش بزرگ طرف های منطقه ای و فرامنطقه ای در مواضع ضد سوریه هستیم. این ترکیه بود که در ابتدا ضمن تعدیل مواضع خود در قبال دولت دمشق، در مسائل مربوط به بحران سوریه به سمت تهران و مسکو سوق پیدا کرد. افزون بر این، کشورهایی نظیر عربستان، قطر و اردن نیز مواضع خود در برابر دمشق را مورد بازبینی قرار داده اند. در همین حال، اینگونه به نظر می رسد که مواضع برخی کشورهای غربی از جمله آلمان و فرانسه هم در قبال بحران سوریه نیز دستخوش تغییرات حائز اهمیتی شده است.

نزدیکی آنکارا به مسکو و تهران

در جریان مذاکرات صلح سوریه در شهر آستانه قزاقستان که چندی پیش برگزار شد، دولت ترکیه بر خلاف رویه سابق خود، این بار نه تنها از هرگونه سنگ اندازی در مسیر مذاکرات و رایزنی های سیاسی اجتناب کرد، بلکه به حصول توافقات مهم و استراتژیک که می تواند سرآغازی برای توقف حمام خون در این کشور باشد، کمک شایانی کرد. یکی از دستاوردهای مهمی که در جریان این

شبکه «الجزیره» وابسته به قطر که پیشتر علیه دولت دمشق و محور مقاومت در منطقه فعالیت رسانه ای گسترده ای داشت، اخیراً یکی از سخنرانی های «بشار اسد» را به صورت مستقیم، مورد پوشش قرار داده است

معارضان مواجه شد. از آنجایی که مخالفان سوریه در قاهره و مسکو با اصلی ترین موضع معارضان ریاض مبنی بر کناره گیری بشار اسد از قدرت مخالف هستند، بنابراین می توان در خواست مقامات سعودی برای مشارکت مخالفان مسکو و قاهره در روند سیاسی جهت برون رفت از بحران سوریه را در چارچوب تغییر مواضع آن در قبال دمشق قلمداد کرد؛ کماینکه شدت اختلافات میان ریاض و معارضان سوریه بر سر این مسئله به حدی رسید که الجبیر حاضر به حضور در نشست با معارضان در تاریخ ۹ اگوست نشد و قائم مقام وزارت خارجه را به این نشست فرستاد. بر همین اساس، تمامی شواهد، جملگی حکایت از آن دارند که عربستان تلاش خود برای خروج از باتلاق سوریه را کلید زده است.

«توفیق شومان» تحلیلگر لبنانی مسائل استراتژیک معتقد است: «علت اصلی عقب نشینی آنکارا از مواضع سال های اخیر خود در تعامل با دولت دمشق این است که تمامی آرزوهای ترکیه در سوریه بر باد رفته است. مقامات ترکیه حتی با آمریکایی ها هم بر سر بحران سوریه به اختلاف خوردند و در نهایت مجبور به ایجاد تغییر در برخی مواضع خود شدند».

تلاش سعودی برای خروج از باتلاق

عربستان سعودی از جمله کشورهای منطقه ای به شمار می رود که طی قریب به هفت سال گذشته بیشترین حمایت های مالی و تسلیحاتی را از تروریست های تکفیری در سوریه به عمل آورده است. سعودی ها همچنین با حمایت از مواضع کار شکنانه معارضان خارج نشین سوریه، در طول این مدت تمام تلاش خود



میشل عون: سلاح حزب الله تضمین مقاومت لبنان در برابر صهیونیست هاست
 «میشل عون» رئیس جمهور لبنان در گفت و گو با «لوفیگارو» فرانسه و در پاسخ به سوال شیطان آمیز این روزنامه که چرا حزب الله را خلع سلاح نمی کنید؟ با بیان اینکه حزب الله از سلاحش در صحنه داخلی استفاده نمی کند گفت: این سلاح فقط برای تضمین مقاومت ما در برابر رژیم اسرائیلی است که همچنان بخشی از سرزمینمان یعنی حدود ۳۰ کیلومتر مربع از مزارع شبع را اشغال کرده است. رئیس جمهور لبنان در پاسخ به سوالی در مورد موضع کشورش در قبال جنگ سوریه گفت: لبنان در طول دوره جنگ سوریه علیرغم سخنان برخی سیاستمداران، با ثبات باقی ماند. موضع ما در قبال این جنگ، حفاظت از مرزهای لبنان و بیطرفی در قبال مسایل سیاسی داخلی سوریه بوده است. میشل عون درباره صلح در منطقه هم گفت: صلح باید بر اساس حق باشد. باید مسئله فلسطین حل شود. چرا راه حل دو کشور (فلسطین و اسرائیل) مورد پذیرش قرار نگرفته است؟ این مسئله به اسرائیل برمی گردد که هنوز از تانک و هواپیماهای جنگی استفاده می کند.

اسلام انقلابی

«منار صباغ»، مجری سرشناس المنار در گفت و گو تفصیلی با بیت المقدس مطرح کرد

محمد مظهري

حضرت زینب علیها السلام الگوی رسانه های محور مقاومت



منار صباغ مجری یک برنامه سیاسی در شبکه المنار به نام «بانوراما الیوم» است. وی در سال ۲۰۰۵ به المنار پیوست و پس از یک دوره آموزشی در بخش برنامه سازی و اخبار رسماً فعالیتش را در این شبکه آغاز کرد. وی در مصاحبه ای با روزنامه السفير لبنان می گوید: «المنار همیشه برایم در اولویت بوده، زیرا سیاست ها و اصول حرفه ای این شبکه با حجاب و ایمان دینی من سازگاری داشته و برای همین معتقدم المنار رویکرد فکری و دینی و سیاسی من را نمایندگی می کند.»

منار صباغ پیش از اجرای برنامه های سیاسی در «المنار» به عنوان خبرنگار میدانی در این شبکه فعالیت داشت و همزمان تحصیلات عالی اش را در رشته علوم سیاسی ادامه داد. وی همچنین به نوشتن مقالات سیاسی و آموزش و برگزاری دوره های روزنامه نگاری و اجرای برنامه اهتمام دارد.

در حاشیه برگزاری یازدهمین دوره جشنواره رسانه های «الغدیر» در نجف اشرف فرصتی دست داد تا با وی به گفت و گو بنشینیم و از تجربه ها، خاطرات و افکار و رویکردهای سیاسی این مجری معروف لبنانی بیشتر بدانیم که شرح آن در زیر می آید:

نقش و جایگاه رسانه رادر حمایت از جریان مقاومت چگونه می بینید؟

به نظر من اهمیت و نقش رسانه در این حوزه کاملاً روشن است. اگر قبول داشته باشیم که الگوی زنان مسلمان و محجبه در حوزه رسانه حضرت زینب (س) است، باید بدانیم واقعه کربلا به لحاظ نظری با شهادت امام حسین (ع) و اصحابش که مردانه ایستادگی کردند، پایان یافت. اما در واقع این حادثه یک پیروزی بزرگ را در تاریخ رقم زد و امتداد این پیروزی مرهون نقش تبلیغی و رسانه ای بود که حضرت زینب ایفا کرد. اگر روشنگری های زینب نبود کسی از ابعاد واقعی این حادثه عظیم مطلع نمی شد و برکات عاشورا تا امروز ادامه نمی یافت و چه بسا ما امروز شاهد شکل گیری این مکتب ریشه دار فکری و فرهنگی که مبتنی بر ولایت و حب امیر المؤمنین و اهل بیت است نبودیم.

بنابراین مقاومت در قالب عمل نظامی و مسلحانه اگر چه امر مهم و قابل ملاحظه ای است و حتی می توان گفت بالاترین درجه ایثار است اما این به تنهایی کافی نیست. مقاومت اسلامی در لبنان که با تجاوز ارتش رژیم صهیونیستی و اشغال خاک کشورمان آغاز شد در این مدت توانست با وارد کردن عنصر رسانه جبهه ای فعال و قوی در برابر دشمن تشکیل دهد. امروز می شنویم که «اعلام الحربی» در بسیاری از نبردها و درگیری ها همراه حشد الشعبی است، اما نباید فراموش شود که این ما بودیم که برای اولین بار در المنار عمل رسانه ای را در کنار مقاومت مسلحانه باب کردیم. یعنی زمانی که بچه های حزب الله علیه نیروهای صهیونیستی عملیات انجام می دادند دوربین و فیلمبرداری هم همراهشان بود تا در میدان

بدانیم واقعه کربلا به لحاظ نظری با شهادت امام حسین (ع) و اصحابش که مردانه ایستادگی کردند، پایان یافت. اما در واقع این حادثه یک پیروزی بزرگ را در تاریخ رقم زد و امتداد این پیروزی مرهون نقش تبلیغی و رسانه ای بود که حضرت زینب ایفا کرد

نبرد رسانه ای اگر اسرائیلی ها خواستند ضربات و خسارت هایی را که از جانب مجاهدین مقاومت متحمل شده اند را انکار کنند، این تصاویر خط بطلانی بر ادعاهایشان بکشد و اینچنین بود که مقاومت توانست قدرت خودش را به اثبات رسانده و برتری اش را بر دشمن تحمیل کند.

وظیفه و نقش اصلی مادر شبکه المنار اولاهمراهی در عملیات های نظامی و میدانی و تأنیا آگاه سازی و مقابله با جنگ نرمی است که دشمن از طریق دروغ پردازی و شایعه پراکنی علیه جریان مقاومت به راه انداخته است تا روحیه ملت های ما را تضعیف کند؛ گاهی از طریق تعریف و تمجید از داعش و بزرگنمایی آن در قالب یک قدرت وحشی و شکست ناپذیر و گاهی هم با فتنه انگیزی بین شیعه و سنی و تلاش برای جانداختن این تصور غلط که ایران دشمن اصلی کشورهای عربی است. اگر مقاومت فعال در عرصه رسانه، تصویر و گزارش های تلویزیونی و همچنین این فیلم ها، سرودها و موسیقی و دیگر ابزارهای هنری نبود، چه کسی می خواست از دستاوردهای مقاومت دفاع کند؟

برای همین می گویم ارزش پیروزی هایی که جبهه مقاومت در لبنان، سوریه، عراق و یمن به دست آورده بدون وجود مقاومت رسانه ای فرهنگی و بدون تصاویر و کلمات، ناشناخته می ماند و این عرصه برای ما آوردگاه مهمی است و در این راه

کننده نهایی نیست بلکه نوع و کیفیت کار مهم است. طبق آیه قرآن: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده است (بقره: ۲۴۹). بی شک دشمنان ما امکانات تکنولوژیکی و مالی عظیمی دارند و ما مثلاً در همین شبکه المنار جزء آرزوهایمان است که بخش کوچکی از امکانات الجزیره یا العربیه را داشته ایم. همه اینها جدای از محاصره های است که از طریق منع شرکتها از همکاری با المنار بر ما تحمیل شده است. امروز همه چیز علیه ماست با این حال برخلاف بسیاری من خوشبین هستم و معتقدم ما توانسته ایم موفقیت کم نظیری را به دست آوریم چراکه دشمنان هر چه تلاش در سانسور و خفه کردن ما کنند دیگر فایده ای ندارد، امروز اطلاعات در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود و

فشار زیادی هم روی المنار است. چنانکه دیدیم پخش این شبکه از «عرب ست» و «نایل ست» متوقف شد و تحریم های دیگری هم روی ما اعمال شد... حال سوال اینجاست که آیا باید تسلیم شد؟ مسلمانان! هر چه فشارها بر ما بیشتر شود عزم ما هم برای حضور در این میدان و آوردگاه هم بیشتر می شود.

عملکرد رسانه های مقاومت را در مقایسه با رسانه های وابسته به جریان ضد مقاومت مخصوصاً رسانه های سعودی و غربی چگونه ارزیابی می کنید؟

ماایلم همینجا به یک نکته اشاره کنم؛ دشمن ما از امکانات عظیم و فراوانی بهره مند است. مقاومت اسلامی در لبنان علیرغم کمبود در عده و عده اما به هر حال توانست پیروزی ها و دستاوردهای چشمگیری را رقم بزند. لذا کمیت و تعداد تعیین

اسلام انقلابی

امکان و فضای موجود برای فعالیت زنان محجبه در جامعه را چگونه می بینید؟ به ویژه که غربی‌ها دائما ادعا می کنند اسلام آزادی زنان را سلب کرده است.

من در کشوری زندگی می کنم که نامش لبنان است و از اقوام و مذاهب مختلفی تشکیل شده و متأسفانه هنوز برخی پدیده‌های منفی در عرصه عمومی کشور من حضور دارد. برخی نگاهشان به زن مسلمان و محجبه تا حدودی تحقیرآمیز است و فکر می کنند سطح فرهنگ محجبه‌ها پایین تر است. تجربه رسانه‌ای خود من با حضور در المنار در کنار همکاران مرد آغاز شد، اما من توانستم خودم را ثابت کنم و احترام همه را جلب نمایم. همین حجاب من در تقویت حضور پررنگم در رسانه نقش قابل توجهی داشت و به هیچ عنوان مانع از فعالیت حرفه‌ای من در پوشش اخبار میدانی نشد. اتفاقاً من دلم برای برخی از همکاران رسانه‌ایم که حجاب ندارند می سوزد چرا که عوامل زیادی در مقابلشان قرار گرفته که مانع از تمرکز بهترشان روی کار می شود. تصور اینکه ساعت ۷ صبح فقط برای مرتب کردن مو و استفاده از کرم‌ها و بودرهای آرایشی از خواب بیدار شوم لباسی بیوشم که نه تنها حقیقت یک انسان روشنفکر و فهمیده را پنهان می کند بلکه ممکن است مانع از انجام عمل روزمره اش هم بشود، برای من سخت است. من فکر می کنم می توانم این زمان را به مطالعه کتاب و خواندن روزنامه‌ها اختصاص دهم یا به جای آن صبح زود در محل کارم حضور داشته باشم. مسلماً با برخی صحنه‌ها و مواردی روبرو می شویم که ممکن است تحمل آن برایمان سخت باشد اما بفضل الهی و با صبر و پایداری می توانیم فرهنگ مان را غالب سازیم چرا که مادر میدان جنگ فرهنگی هستیم. یک بار عمرو موسی دبیر کل وقت اتحادیه عرب از مصاحبه با من استنکاف کرد چرا که من حاضر نشده بودم با وی دست بدهم، اما دو سال بعد هنگام انتخاب میشل سلیمان به عنوان رئیس جمهور لبنان وقتی با هم روبرو شدیم در حضور همه از من عذر خواهی کرد. من هرگز از اصول خودم کوتاه نیامده‌ام چرا که حجابم نمادی از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی من است و دیگران باید به آن احترام بگذارند.

یک بار عمرو موسی دبیر کل وقت اتحادیه عرب از مصاحبه با من استنکاف کرد چرا که من حاضر نشده بودم با وی دست بدهم، اما دو سال بعد هنگام انتخاب میشل سلیمان به عنوان رئیس جمهور لبنان وقتی با هم روبرو شدیم در حضور همه از من عذر خواهی کرد

در غرب تلاش بسیاری می شود که چهره زن مسلمان را تخریب کنند، با این حال زنان مسلمان با حضورشان و نشر فرهنگ و اثبات دستاوردهایشان چه در عرصه رسانه و چه در صحنه سیاست و علم نشان داده‌اند که حجاب زن و هماهنگی بین ظاهر و محتوا در شخصیت زن می تواند یک الگوی موفق برای زنان جهان باشد. به نظر من کسانی که از حقوق زنان دم می‌زنند باید در رویکردهایشان تجدید نظر کنند، چرا که آنها عملاً به جای اینکه حقوق زنان را استیفا کنند انسانیت شان را از آنها گرفته و با عناوین ظاهر فریب و سطحی به تجارت جنس زن و به اسارت در آوردن آن می پردازند.



ایران در همه چیز پیشقدم است. من امیدوارم عرب‌ها هم یک بار برای ارتباط با ایران پیشقدم شوند. همیشه این ایران بوده که به سمت عرب‌ها گام برداشته است

برابر مستکبران جهان نخواهد بود و ایران هم بر همین اساس می خواهد با جهان عرب همکاری داشته باشد.

امروز وقتی سخن از اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی می رانیم در واقع از یک پروژه بزرگ و استثنائی حرف می زنیم که مدیون تلاشهای جمهوری اسلامی است. اما در این میان مشکل تفاوت زبان‌ها همچنان به عنوان مانع عمل می کند و تا حدی روند دستیابی به نتایج بهتر را کند تر می سازد. اما به هر حال همه اعتراف دارند که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ نقش

پیشگامانه‌ای را بر عهده دارد و امروز توپ در زمین جهان عرب است که نقش خود را انجام دهند. رسانه‌های عربی هم باید برای ارتباط با مخاطب ایرانی بر اساس سبک و اندیشه ایرانی ایجاد تقارب فیما بین تلاش بیشتری به خرج دهند... چرا توقع داریم فقط ایرانی‌ها بیایند عربی یاد بگیرند. ما هم باید فارسی یاد گرفته و ارتباطمان را قوی تر کنیم، در فضای فارسی حضور بیشتری داشته باشیم و با افکار عمومی ایران آشنا تر شویم تا به شکل بهتر و ملموس‌تری برایشان از اهداف و آرمان‌هایمان بگوییم.

به عنوان یک چهره رسانه‌ای مسلمان

◀ **عمار حکیم: کردها بیشترین ضرر را از همه پرسی می بینند**

«سید عمار حکیم» رهبر ائتلاف ملی عراق گفت: پیشتر نیز نسبت به پیامدهای وخیم همه پرسی استقلال اقلیم کردستان برای منطقه و عراق هشدار داده بودیم. وی ادامه داد: قبلاً هم گفته بودیم که شهروندان کرد بیشترین ضرر را از همه پرسی استقلال می کنند. رهبر ائتلاف ملی عراق همچنین تأکید کرد: نمی توان به سادگی از کنار برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان گذشت، چرا که با این اقدام، تمامی خطوط قرمز زیر پا گذاشته شد. گفتنی است، همه پرسی استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی بغداد با وجود مخالفت‌های داخلی و خارجی، دوشنبه گذشته برگزار شد.



می توان روی یوتیوب برنامه‌ها را به صورت مستقیم دید. حقیقت پنهان کردنی نیست و جنگ و رقابت ما به شدت ادامه دارد.

برخی این انتقاد را به رسانه‌های جبهه مقاومت وارد می کنند که تعداد رسانه‌ها و شبکه‌ها بیش از حد است. در حالی که اگر به جای این همه رسانه چند شبکه قوی و تاثیرگذار داشته باشیم مفیدتر است. دیدگاه شما چیست؟

بله! امروز شبکه‌های زیادی داریم اما نباید فراموش کنیم که طرف مقابل ما هم همینطور است یعنی دو یا سه شبکه مهم و تاثیرگذار دارند و در کنار آن دهها و صدها شبکه دیگر هم دارند که بودجه می گیرند تا در کشورهای مختلف حضور و نقش رسانه‌ای داشته باشند. یعنی این وضعیت در هر دو جبهه مقاومت و ضد مقاومت حاکم است؛ ما هم دو یا چند رسانه تاثیرگذار و قوی داریم و در کنار آن دهها شبکه و رسانه دیگر هم فعال هستند که چه بسا ضعیف تر باشند اما نقش و کارکرد خودشان را در جامعه هدف دارند؛ مثل شبکه‌هایی که جامعه عربستان و یا جامعه بحرین و یا عراق را مخاطب قرار می دهند. من معتقدم که کیفیت کار شبکه‌ها باید تقویت شود اما نه به قیمت حذف آنها چرا که کارکرد دارند مخصوصاً در شرایطی که رسانه‌های مهم ما تحت تحریم هستند. فکر می کنم روی مسئله ماهواره‌ها باید همت بیشتری بگذاریم تا عربستان و هم پیمانانش نتوانند به راحتی و از طریق توقف پخش ما از روی ماهواره‌ها هر وقت خواستند ما را تحت فشار قرار دهند.

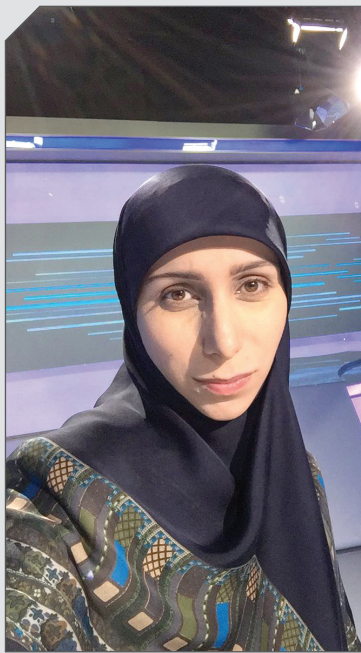
شما به عنوان یک فعال شبکه‌های اجتماعی هم شناخته می شوید. حضور طرفداران جریان مقاومت در شبکه‌های اجتماعی را چگونه می بینید؟

می توان به طور کلی نظر داد. مثلاً اینستاگرام عرصه مناسبی برای مباحث سیاسی در جهان عرب نیست اگر چه تا حدودی تاثیرگذار است و فیسبوک اگر چه همچنان محبوب ترین شبکه اجتماعی است اما فعالیت و تاثیرگذاری اش زیاد نیست و باید گفت توئیتر تاثیرگذارترین رسانه در شبکه‌های اجتماعی است. از دو سال پیش و به ویژه پس از تأکید حضرت آیت الله خامنه‌ای بر ضرورت تشکیل یک جبهه مجازی تلاش‌ها برای حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی شدت گرفته است و جوانان طرفدار مقاومت در لیبک به ندای رهبر انقلاب به طور وسیعی وارد عرصه شبکه‌های مجازی شده‌اند. هم ما در این میدان حضور داریم و هم دشمن و البته با بهره مندی از فن آوری‌ها و حمایت‌های مالی گسترده و در همین راستا با درست کردن اکانت‌های قلبی یک جنگ همه جانبه علیه مقاومت راه انداخته‌اند. اما ما هم فعال هستیم و توانسته‌ایم حضور خود را اثبات کنیم به ویژه در مسئله هشتگ‌سازی‌ها و هشتگ‌هایی که «ترند» می شوند، از جمله در قضیه شهادت «محسن حججی» چنین حضوری کاملاً مشهود بود. مثلاً من یک توئیتر درباره شهید حججی منتشر کردم که دیدم پس از ترجمه آن توسط یکی از برادران ایرانی به فارسی بطور وسیعی هم‌دردی کابران توئیتر را برانگیخت و به تعداد زیادی باز انتشار یافت و همچنین نام شهید حججی به مدت چند روز جزء ترندهای توئیتر بود. این نشان می دهد ما در این میدان حضور داریم اما باید قوی تر شویم. برخی گروه‌ها هستند که به شکل مجزا فعالیت می کنند و ضروری است این تلاش‌ها یکپارچه شده و در یک

راست‌قرار گیرند.

سطح همکاری و هماهنگی بین رسانه‌های ایرانی و عربی چگونه است؟

ایران در همه چیز پیشقدم است. من امیدوارم عرب‌ها هم یک بار برای ارتباط با ایران پیشقدم شوند. همیشه این ایران بوده که به سمت عرب‌ها گام برداشته است. طبیعتاً این ایران است که در منطقه از برنامه و اهداف جریان مقاومت حمایت و پشتیبانی می کند. از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) مشخص بود که برنامه جبهه مقاومت چیزی جز حمایت از مستضعفان در



برگزاری کنفرانس «وحدت مسلمین» در پاکستان



به همت مجلس وحدت مسلمین (شاخه مولتان) و در ایام عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، کنفرانس «محسن انسانیت» (انسانیت مدیون امام حسین) با حضور علما، مشایخ و دانشمندان شیعه و سنی، در محل سالن اجتماعات تی هاوس مولتان پاکستان برگزار شد. در این کنفرانس علما و مشایخ سنی و شیعه بر این موضوع تأکید کردند که تمام مسلمانان وحدت خود را به ویژه در ماه محرم الحرام حفظ کنند و به دشمنان اجازه ندهند که بین آنها تفرقه ایجاد کرده و بذر دشمنی و اختلاف در میان مسلمانان بیفکنند. سخنرانان همچنین بیان کردند که ماه محرم، ماه وحدت امت اسلامی در پر تو محبت به اهل بیت (ع) و خاندان رسالت است و از این وحدت باید پلی برای غلبه بر ظلم و استکبار، بسازند. شرکت کنندگان در این کنفرانس تأکید کردند: باید برای احیای کلمه حق و ترویج دین مبین اسلام، پیمان ببندیم.

رامین ولی زاده میدانی



«آستانه ۶» و کارت‌های سوخته ترکیه



INTERNATIONAL MEETING ON SYRIAN SETTLEMENT
Astana, January 23-24, 2017

سوریه است. آمریکایی‌ها نیز به دنبال شکست‌های متعدد گروه‌های تروریستی تکفیری دست خود را در سوریه خالی می‌بینند؛ لذا به حمایت جدی خود از حزب اتحاد دموکراتیک سوریه ادامه می‌دهند. آن‌ها بر این باور هستند که این نیروها بازوی خوبی برای در اختیار گرفتن مناطق بیشتر در سوریه هستند. این در حالی است که ترکیه از این محور نیز هراس استراتژیک دارد؛ چراکه حمایت واشنگتن از حزب اتحاد دموکراتیک با منافع ترکیه در تضاد است. آنکارا تشکیل کردیدوری در سوریه را برای امنیت ملی خود خطرناک می‌داند. خصوصاً نگرانی‌های ترکیه بعد از تحولات حزب دموکرات اقلیم کردستان عراق به دنبال برگزاری همه‌پرسی بیشتر شده است. مجموع نکات مذکور نشان می‌دهد که ترکیه در یک شرایط ضعف جدی قرار گرفته است. در حقیقت بیش از همه به دنبال منطقه کاهش تنش در ادلب است؛ چراکه اقدام نظامی در این منطقه همه داشته‌های آنکارا در سوریه را به باد خواهد داد. ترکیه در حال حاضر به ادلب دل خوش کرده است تا به خیال خود بتواند نقشی در سر نوشت سوریه داشته باشد؛ اما آنکارا غافل از این است که همکاری با جبهه النصره نیز برای ترک‌ها سودی نخواهد داشت. این موضوع نقطه عطف مسائل پیش رو است. جبهه النصره اعلام کرده است که خلع سلاح نخواهد شد؛ این در حالی است که ترکیه خلع سلاح این گروه را پذیرفته است؛ بنابراین احتمال درگیری بین نیروهای ترکیه و جبهه النصره با ورود نیروهای این کشور به ادلب بعید نیست. این به معنای از دست رفتن تمام رویایهای آنکارا است. ترکیه در شرایط کنونی هیچ برگ برنده‌ای در صحنه میدانی سوریه ندارد. آنکارا در حال حاضر از یک طرف بین دو محور قرار گرفته است که هر دو علی‌رغم تفاوت دیدگاه‌های خود به دنبال پاک‌سازی ادلب هستند. از طرف دیگر همکاری جبهه النصره با ترکیه نیز در صورت خلع سلاح این گروه بعید است. حال ترکیه چاره دیگری غیر از عقب‌نشینی از مواضع سیاسی پیشین خود ندارد. کارت‌های ترکیه در سوریه سوخته است.

النصره برای خروج این گروه از حلب به صورت آشکارا نشان داد که ارتباطات تنگاتنگی بین آنکارا و جبهه النصره برقرار است. این گروه در حال حاضر در ادلب

می‌شوند. همچنین نیروهای روس مرکز ادلب را کنترل می‌کنند؛ لذا آتش‌بس توافق شده در این منطقه برقرار خواهد شد.

نشست‌های اخیر آستانه به دنبال ایجاد مناطق کاهش تنش است. این موضوع به این معناست که تداوم درگیری در مناطق مشخص شده و مناطقی که احتمالاً در نشست‌های بعدی مشخص خواهد شد، نتیجه‌ای برای نیروهای مخالف سوری و کشورهای حامی آن‌ها ندارد

حضور دارد؛ لذا ترکیه مخالف آغاز عملیات نظامی در این منطقه است. سه گروه به‌طور کلی در قبال ادلب موضع گرفته‌اند. دسته نخست محور مقاومت با حضور ارتش سوریه، ایران، روسیه و حزب الله است. محور دوم مربوط به آمریکا است که با کمک حزب اتحاد دموکراتیک سوریه به دنبال احاطه بر ادلب است. ترکیه نیز گروه سوم را تشکیل می‌دهد که با جبهه النصره و تروریست‌های ارتش آزاد همکاری می‌کند. ترکیه در این بین گزینه دیگری غیر از پذیرش توافق نشست آستانه را نداشت؛ چراکه دو محور مذکور در قبال ترکیه صف‌آرایی کرده‌اند. نیروهای مقاومت بر این باور هستند که گروه‌های تروریستی تکفیری حاضر در ادلب از جمله جبهه النصره باید خلع سلاح شوند. ترکیه به‌ناچار این موضوع را پذیرفته است؛ اما با توجه به همکاری خود با جبهه النصره مخالف عملیات نظامی در این منطقه است. ترکیه ادعا می‌کند که افراد غیر نظامی در ادلب حضور دارند؛ اما دلیل اصلی مخالفت این کشور با عملیات نظامی به حضور جبهه النصره در این منطقه برمی‌گردد.

آمریکا نیز به دنبال خلع سلاح شدن جبهه النصره است و پاک‌سازی ادلب را پیگیری می‌کند؛ اما حزب اتحاد دموکراتیک بازوی اجرایی آمریکا برای این اقدام است. بر این اساس واشنگتن از طریق این حزب به دنبال در اختیار گرفتن مناطق بیشتری در

نشست آستانه ۶ در روزهای بیست و سوم و بیست و چهارم شهریورماه برگزار شد. سیر مواضع ترکیه در طی نشست‌های اخیر خصوصاً نشست ششم اماره‌هایی از عقب‌نشینی مواضع سیاسی این کشور در خصوص مسئله سوریه دارد. نوشتار حاضر برای اثبات فرضیه مذکور به برخی از نشانه‌ها اشاره خواهد داشت. عوامل قرابت مواضع ترکیه به تهران و مسکو بعد از ذکر این موارد مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنین محور دیگر این یادداشت به تنش‌های آنکارا و واشنگتن در سوریه اشاره می‌کند. بحث مهم دیگر در این نوشتار اشاره به نوع بازی ترکیه در ادلب است که به نظر می‌رسد در حال حاضر از مهم‌ترین مسائل میدانی در سوریه محسوب می‌شود.

فضای پیش از برگزاری نشست آستانه ۶ نیز نشان می‌داد که این نشست گامی به جلو باشد؛ چراکه موفقیت‌های ارتش سوریه در دیرالزور و فضای سیاسی بین تهران، مسکو و آنکارا موجب شده بود که پیش‌بینی‌ها در مورد نشست اخیر مثبت باشد. گفتگوهای روسای جمهور ایران و ترکیه در مورد روند آستانه نیز از فضای مثبت رایزنی‌ها حکایت داشت. بر اساس نتایج آستانه ۵ سه منطقه امن در حومه دمشق، قسمت‌هایی از استان حمص و جنوب سوریه در نظر گرفته شده بود. پس از برگزاری نشست آستانه ۶ «ادلب» به همراه بخش‌هایی از حلب، لاذقیه و حماه تحت عنوان مناطق «کاهش تنش» اعلام شد. تهران، مسکو و آنکارا برای جلوگیری از درگیری در چهار منطقه مرکز هماهنگی تشکیل می‌دهند. در مجموع چهار منطقه کاهش تنش شامل بخش‌هایی از استان ادلب، مناطقی از لاذقیه، حلب و حماه، بخش‌هایی از حمص، دمشق و غوطه شرقی و قسمت‌هایی از درعا و قنيطرة است.

یکی از مهم‌ترین نتایج نشست آستانه ۶ به مسئله شهر ادلب مربوط می‌شود. طرف‌های شرکت‌کننده در این نشست به تداوم آتش‌بس در این منطقه تأکید داشتند. بر این اساس نیروهای ترک با ورود به ادلب شمال آن را تحت کنترل خواهند گرفت. نیروهای مقاومت نیز در جنوب ادلب مستقر

بیت المقدس

شمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

پاران آخر الزمانی

انفجاری انتحاری در مسجدی در نیجر به
 یک زن انتحاری روز سه شنبه گذشته با ورود به داخل مسجدی در شمال شرق نیجر به خود را منفجر کرد که به کشته شدن پنج نمازگزار انجامید. ابراهیم لیمان یک مسئول ارشد شبه نظامیان محلی که در کنار ارتش نیجر به علیه شورشیان بوکو حرام می جنگند، گفت که انفجار در مسجد شهر «دیکوا» در ۹۰ کیلومتری «مایدو گوری» مرکز ایالت «بورنو» رخ داد. وی افزود: یک زن انتحاری هنگام اقامه نماز صبح با حمله تروریستی به این مسجد باعث کشته شدن پنج نمازگزار و زخمی شدن سه نفر دیگر شد. وی خاطر نشان کرد که به احتمال زیاد انفجار توسط گروه تروریستی بوکو حرام صورت گرفته است زیرا به انجام این گونه حملات شهرت دارد. یک فرمانده دیگر شبه نظامیان نیز گفت: اندکی بعد از این انفجار یک زن انتحاری دیگر نیز خود را در شهر منفجر کرد، اما این انفجار هیچ تلفاتی در پی نداشت.



گذری بر زندگی شهید علی محمود (ابوتراب)

از شفا تا شهادت در «زینبیه»



«قسم به حضرت زینب، قسم به دختر علی کرار ما نیرویی حیدری و حسینی هستیم که هر گز شکست نمی خورد... لیبیک یا زینب. لیبیک یا زینب.» اینها را «ابوتراب» از بالای گنبد حرم مطهر حضرت زینب (س) فریاد می زد؛ بعد از آن که پرچم سرخ رنگ حرم حضرت ابالفضل (ع) را بر روی آن برافراشت. خوب می دانست که بالای گنبد در معرض دید و تیر تکفیری هاست و این را چندین بار دوستانش به او یادآوری کرده بودند؛ اما تأثیر مثبتی که فریاد زدن این شعار و برافراشتن آن پرچم بر روحیه رزمندگان می گذاشت بیش از آن بود که نادیده گرفته شود. مدتی می شد که مسئولیت امنیت منطقه حرم حضرت زینب (س) بر دوش «ابوتراب» گذاشته شده بود و او نیز در تمام این روزها نهایت تلاش خود را کرده بود تا امنیت به منطقه باز گردد و حالا امنیت نسبی در منطقه برقرار شده بود. به فضل مجاهدت های او و همزمانش، دیگر گذشته بود روزهایی که بر روی دیوارهای حرم می نوشتند «ستر حلیین مع رحیل الأسد» و حتی گاهی تیرهای مستقیم شان به گنبد یا گلدسته ها برخورد می کرد. مأموریت «ابوتراب» با موفقیت انجام شده بود و حالا هنگام آن بود که مزد سالها مجاهدتش را بگیرد. روز «نهم محرم» بود که تیری از لوله سلاحی خارج شد و به «ابوتراب» اصابت کرد؛ اما چیزی که او چند روز قبل تر، از حضرت زینب (س) درخواست کرده بود چیز دیگری بود. حاجتش شهادت در روز عاشورا بود و شاید همین باعث شد که آن گلوله آن روز به زندگیش پایان ندهد. «ابوتراب» به بیمارستان منتقل شد و فرمایش، در روز عاشورا به شهادت رسید؛ همان روزی که امام حسین (ع) فریاد می زد «یا یاری کننده ای هست که به یاری ما بشتابد؟» و پاسخی نمی شنید. با این تفاوت که امروز، در پاسخ به فریاد «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (ع) در کربلا، سال ۶۱ هجری، هزاران فریاد «لیبیک» به پا می خاست...

مأموریت آن روز علی - که به رسم رزمندگان حزب الله، نام جهادی «ابوتراب» را برای خود برگزیده بود - و همزمش شناسایی یکی از مناطق اشغالی جنوب لبنان بود. هر چند که چندین کیلومتر پیاده روی و بعد از آن ساعتها در یک جا منتظر نشستن و اوضاع را بررسی کردن در زمستان های سخت و پر برف جنوب لبنان کاری بسیار سخت و طاقت فرسا بود اما قرار نبود اشغالگران صهیونیست زمستان هادر پایگاه هایشان استراحت کنند. زمستان ها نیز باید مثل اوقات دیگر سال که هوا مساعد بود برایشان تلخ و تحمل ناپذیر می شد. علی و همزمش به راه افتادند و پس از چند ساعت پیاده روی در برف و سرما، به مقصد رسیدند. قرار بود از آن جارت و آمد نیروهای اشغالگر را کنترل و شناسایی کنند و شب را هم، در همان جا صبح کنند. چندین ساعت گذشت و اتفاق خاصی نیفتاد. تا این که نیمه های شب، ابوتراب بانگرانی به همراهش گفت که توانایی تکان دادن پاهایش را ندارد

«اول عمل جراحی ات را انجام بده و بعد، با خیال راحت تورا به دمشق می بریم.» علی قبول نکرد. اصرار می کرد قبل از قطع پاهایش، به زیارت حضرت زینب (س) برود، و دست آخر، اصرار هایش کار خود را کردند و دوستانش راضی شدند او را به زیارت ببرند. ***

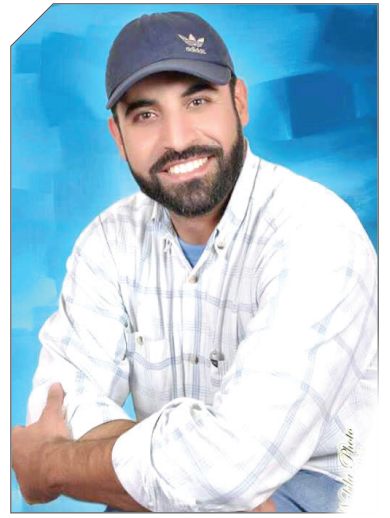
کنار ضریح که رسیدند، روی ویلچر، شروع کرد به گریه. گریه ای که هیچ وقت قبل از آن سابقه نداشت. هیچ کس قبل از آن، او را اینگونه ناراحت و گریان ندیده بود. زار زار می گریست و صدای گریه اش را همگان می شنیدند. آن طور که علی بعدتر برای دوستانش تعریف می کرد، میان گریه هایش، دوباره صدایی را شنید؛ به مانند همان صدای بیمارستان که البته این بار می گفت: «بر خیز و روی پاهایت بایست». صدا دوبار تکرار شد. وقتی برای دومین بار صدای شنید، دست هایش را به شبکه های ضریح گرفت و بر روی پاهایش ایستاد! خودش هم نمی توانست باور کند که حالا روی پاهایش ایستاده. با دست هایش شبکه های ضریح را گرفته و با پاهایش، جلوی ضریح ایستاده بود. ***

قرار بود علی، یا همان ابوتراب اول داستان مأموریت دیگری را به انجام برساند؛ این بار اما نه در جنوب لبنان، که در جنوب دمشق منطقه زینبیه.

و اگر قطعشان نکنیم، عفونت به بدنت سرایت می کند.» قرار بود پاهایش را قطع کنند و هیچ چیزی برای علی از این دردناک تر نبود؛ چه این که بدون باهرگز نمی توانست دوباره در جبهه ها حضور پیدا کند و با اسرائیلی ها بجنگد. ساعت ها بدون شک برایش دردناکترین ساعت های عمر بود. در میان همین حسرت ها و نگرانی ها بود که علی دوباره

و آنها را احساس نمی کند. همزمش تا این را شنید شدیدا نگران شد؛ می دانست که سرمازدگی گاهی اوقات حتی می تواند باعث مرگ فرد بشود. بر اساس آموزش هایی که دیده بود، شروع کرد به ماساژ دادن پاهای علی تا خون در آنها جریان یابد. تلاش های او اما تأثیری در وضعیت علی نگذاشت؛ پاهایش هنوز بی حس بودند و توانایی راه

مأموریت «ابوتراب» با موفقیت انجام شده بود و حالا هنگام آن بود که مزد سالها مجاهدتش را بگیرد. روز «نهم محرم» بود که تیری از لوله سلاحی خارج شد و به «ابوتراب» اصابت کرد



از هوش رفت. شاید به خواب رفت؛ اما هر چه بود، در میانه خواب و بیداری - یا بیهوشی و هوشیاری - و در حالی که سکوت مطلق بیمارستان را فرا گرفته بود، صدای بلندی را می شنید که به او می گفت: «نزد فرزندم زینب برو»... ***

اندکی بعد، هنگامی که علی هوشیاری خود را دوباره به دست آورد، به دوستانش گفت آن چه را که شنیده بود و از آنان درخواست کرد تا او را به دمشق ببرند؛ به زیارت زینب کبری، دختر امیرالمؤمنین (ع). قبول کردند؛ اما گفتند

رفتن را نداشت. قرار شد به عقب بازگردند و همین کار را هم کردند؛ علی روی دوش همزمش بود و از شدت درد، میان بیهوشی و هوشیاری در حال رفت و آمد بود. ***

چند ساعت بعد، علی چشم باز کرد و خود را در یکی از اتاق های بیمارستان دید؛ می دید که پرستارها با قیچی در حال پاره کردن پوتین هایش هستند، چرا که خارج کردن آن ها به صورت عادی امکان نداشت. مدتی بعد صدای پزشکی را شنید که به او می گفت: «پاهایت عفونت کرده



ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی: ناموار: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

عاشق ترینم! من کجا و حضرت زینب!؟

زبان حال همسر شهید حججی

از اولش هم گفته بودم که سری از من دیدی که من حق داشتم؟! عاشق تری از من دلپستهات بودم من و دلپستهام بودی اما رهايت کرد عشق دیگری از من آتش شدی، رفتی و گفتم: «عشق سوزان است باقی نماند کاش جز خاکستری از من» رفتی و جامانده فقط مُشت پُری از تو رفتی و باقیمانده چشمان تری از من فالله خیر حافظا خواندم که برگردی برگشته‌ای با حال و روز بهتری از من من عاشق لبخندهایت بودم و حالا... عاشق ترینم من کجا و حضرت زینب!؟ حق داشتم اینقدر راحت بگذری از من...



پارچه های عزای ابا عبدالله (ع) در منطقه الدراج بجرین علی رغم ممانعت آل خلیفه پراشته شد/ «مرگ بهتر از ذلت و سختی کشیدن در این دنیا بهتر از آتش جهنم است» امام حسین (ع)



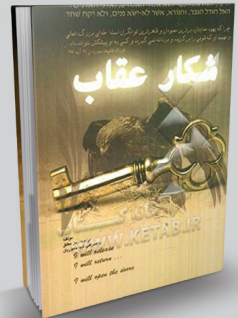
کانالی برای تقرب مذاهب اسلامی



مسئله تقرب مذاهب و وحدت مسلمانان از کلیدی ترین مفاهیم و موضوعاتی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تحقق آن در دستور مقامات ارشد کشورمان بوده است و برای تحقق همین آرمان و پیگیری جدی تر امور، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی نیز در سال ۱۳۹۶ راه اندازی شد. علاوه بر این از سال گذشته «اتحادیه جهانی جوانان مسلمان تقریبی»، بعنوان سازمانی مردم نهاد که برای تحقق آرمان وحدت اسلامی تلاش می کند، تاسیس شده و فعالیت های خود را آغاز نموده است. اگر چه هنوز اطلاع چندانی از فعالیت های این اتحادیه جدیدالتاسیس در دست نیست، اما مدتی است که کانال تلگرامی آن در فضای مجازی فعال شده است. انتشار تجربیات مختلف و خاطرات جوانان فعال در امر تقرب بین مذاهب مختلف اسلامی، از بخش های جذاب این کانال است. در همین چارچوب سفرنامه برخی از اعضای اتحادیه به کشورهای مختلف اسلامی و گفت و گوهای آنها در فضای تعاملات بین مذهبی هم در کانال منعکس می شود. انتشار دیدگاه برخی از بزرگان و مقامات ایران در خصوص اهمیت وحدت مسلمانان و پرهیز از اختلاف از دیگر مباحث کانال می باشد. همچنین برخی مطالب این کانال اختصاص به گزارش های تحلیلی و یادداشت های جوانان تقریبی دارد. برای دسترسی به این کانال دوزبانه فارسی-عربی باید از لینک <https://t.me/alshebaltaghri> بهره گرفت.



«شکار عقاب» داستان آرامش پیش از طوفان



سرزمین فلسطین به عنوان عمق استراتژیک جهان اسلام بیش از ۶۶ سال است که توسط صهیونیستها اشغال شده و تاریخ غنی آن در راستای سیاست های سلطه گرانه غرب و صهیونیسم و با استفاده از ابزارهای متعدد از جمله رسانه بارها مورد تحریف قرار گرفته است. کتاب شکار عقاب نوشته خانم ها مریم مدرس مطلق و لیدا مامور بیان که در قالب داستان به ماجرای اشغال فلسطین و اقدامات بعدی صهیونیست ها پرداخته است. «مصرف بهینه سوخت و صرفه جویی در آن، در این کتاب، در قالب داستانی مصور و رنگی بازگو شده است. در این داستان «قطره طلا» (نماد نفت و توصیه صرفه جویی انرژی) به خانه های می رود که در هوای سرد زمستانی پنجره اش باز است. او متوجه می شود که بخاری و شوفاژ روشن است و در پیچه کولر هم باز است. همچنین پسر پیچهای در خانه حضور دارد که در اثر این سهل انگاری ها سرما می خورد. از همین رو، قطره طلا به پسرک راه در دست مصرف کردن انرژی و حفظ سلامتی رانسان می دهد. این کتاب جلد دوم از مجموعه «قصه های کیمیا» است که برای گروه سنی الف و ب به طبع رسیده است.» در پیشگفتار این کتاب آمده است، دوستم روزی که جلوی عمارت عالی قاپو نشسته بودیم گفت: تو چی شدی هوروی این قصبه اینقدر حساسی شدی؟ راست می گفت من در مورد فلسطین حساسیت خاصی نداشتم. فکر می کردم هر کس با هر آیینی کشوری دارد، کشوری هم یهودی ها داشته باشند... این کتاب در قطع وزیر از سوی نشر قلم در ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.



«گلچهره» تاریخ تصویری یک ملت



کشور افغانستان و مسائل آن، به عنوان یکی از بزرگترین همسایگان ایران که چندمیلیون نفر از اتباع آن هم در کشورمان سکونت داشته و دارای زبان مشترک نیز هستیم، کمتر در کانون توجه هنرمندان و اهالی رسانه ایران بوده است. فیلم سینمایی «گلچهره» روایتگر داستان اشرف خان صاحب سینمای کابل است که پس سقوط دولت کمونیستی نجیب الله و تسلط مجاهدین بر کابل می خواهد سینمایش را بازسازی کند اما یکپارچگی دولت دبری نمی باید و جنگ های داخلی بار دیگر از خرابه های کابل سر بر می آورد و این جنگ به فیلمخانه ملی افغانستان نیز راه می یابد، جایی که تاریخ تصویری یک ملت در آن نهفته است. نویسنده گی، تهیه کنندگی و کارگردانی گلچهره را «وحید موسائیان» بر عهده داشته است. مسعود رایگان و لادن مستوفی هم بازیگران اصلی این فیلم هستند که هر دو هم نامزد دریافت سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد و نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر برای این فیلم شده اند. فیلم «گلچهره» حضوری موفق در جشنواره های متعدد داشته و جوایزی نیز از جمله جایزه بین المللی جشنواره فیلم فجر، جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره کیش، جایزه بزرگ جشنواره باتومی گرستان، جایزه رزق رمز جشنواره جیبور هند، جایزه Remi بلاتینی برای بهترین فیلم خارجی جشنواره هوستن و جایزه بهترین فیلم برداری دهمین جشنواره بین المللی فیلم بوستن رادر یافت کرده است. همچنین این فیلم در نخستین جشنواره فیلم و هنر خاور میانه در شهر هلسینکی به نمایش در آمد.